



تحلیل جرم‌شناسی دشمن‌مدار در مواجهه با جرایم خسونت‌بار: از امنیت‌محوری تا نقض حقوق بشر

محمد جوان بخت^۱
زهرا تجری موذنی^{۲*}
محدثه صادقیان لمراسکی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۰۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۱۰/۲۳

چکیده

جرم خسونت‌بار به رفتارهایی اطلاق می‌شود که در آن‌ها از قوه قهریه و اعمال زور برای آسیب رساندن به افراد استفاده می‌گردد، که نه تنها آثار ویرانگر بر قربانیان بر جای می‌گذارد، بلکه تزلزل و بی‌اعتمادی را در جامعه رواج می‌دهد. این پژوهش به بررسی نگرش دولت‌ها و نظام‌های قضائی که در مواجهه با جرایم خسونت‌بار، رویکردهای امنیت‌محور را به کار می‌برند و به بهانه حفظ امنیت عمومی، از ابزارهای سرکوبگرانه و نقض حقوق بنیادین افراد استفاده می‌کنند می‌پردازد. هدف اصلی این تحقیق، شناسایی و تحلیل رابطه بین رویکردهای دشمن‌مدار و نقض حقوق بشر در چارچوب سیاست‌های کیفری است که امنیت را در اولویت قرار می‌دهند. روش پژوهش به صورت تحلیل کیفی است که در آن از نوشتگان جرم‌شناسی و حقوق بشر برای بررسی پیامدهای ناشی از رویکردهای امنیت‌محور و سیاست‌های سرکوبگرانه استفاده می‌شود. این تحقیق همچنین به واکاوی سیاست دولت‌ها می‌پردازد که در آنها حقوق فردی و آزادی‌های بنیادین قربانی منافع امنیتی می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در بسیاری از نظام‌های حقوقی، گرایش به جرم‌شناسی دشمن‌مدار به طور غیرمستقیم منجر به نقض حقوق بشر، محدود شدن آزادی‌های فردی و پذیرش روش‌های سرکوبگرانه در برخورد با متهمان می‌شود. نتیجه‌گیری این مقاله بر ضرورت بازنگری در رویکردهای امنیتی موجود و پیشنهاد ایجاد تعادل میان تأمین امنیت و حفاظت از حقوق بشر تأکید دارد. تأمین امنیت نباید به بهانه‌ای برای نقض حقوق فردی تبدیل شود، بلکه باید در چارچوب اصول انسانی و حقوق بشری صورت پذیرد.

واژگان کلیدی: جرم‌شناسی دشمن‌مدار، امنیت‌محوری، نقض حقوق بشر.

^۱ دانشجوی دکتری، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.
javanbakht.lawyer@yahoo.com

^۲ استادیار، گروه حقوق، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران (نویسنده مسئول):
moazen509@gmail.com

^۳ استادیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.
mohaddeseh.sadeghian@gmail.com

۱- مقدمه

در عصر حاضر، با گسترش روزافزون جرایم خشونت‌بار و تهدیدات پیچیده امنیتی، کشورها در تلاش‌اند تا از طریق استراتژی‌های متنوع قضائی و امنیتی، نظم عمومی و آرامش جامعه را حفظ کنند. یکی از رویکردهای رایج در این زمینه، رویکرد جرم‌شناسی دشمن‌مدار است که در آن دولت‌ها و دستگاه‌های قضائی به‌ویژه در زمان بحران‌ها، به بهانه تأمین امنیت جامعه، اقدام به اعمال تدابیر شدید و اغلب سرکوبگرانه می‌نمایند. این رویکرد بر این پیش‌فرض استوار است که مقابله با تهدیدات امنیتی تنها از طریق محدود کردن آزادی‌های فردی و حقوق اساسی شهروندان ممکن است. به عبارت دیگر، در سیاست‌های امنیت‌محور، امنیت عمومی به‌عنوان اصلی‌ترین هدف مورد نظر قرار می‌گیرد و حقوق فردی و آزادی‌های انسان‌ها در برخی موارد به حاشیه رانده می‌شوند.

هرچند که ممکن است این تدابیر در کوتاه‌مدت برای مقابله با جرایم خشونت‌بار کارآمد به نظر برسند، اما در بلندمدت آثار و پیامدهای منفی بسیاری را به همراه دارند. یکی از این پیامدها، نقض حقوق بشر است که می‌تواند در اشکال مختلف خود را نشان دهد: از محدودیت آزادی‌های فردی و حقوق دادخواهی گرفته تا سرکوب آزادی بیان و استفاده از شکنجه و خشونت در فرآیندهای قضائی. در واقع، زمانی که دولت‌ها و نهادهای قضائی بر سیاست‌های امنیت‌محور متمرکز می‌شوند، ممکن است در مقابله با تهدیدات فوری، قوانین و اصول حقوق بشری را نادیده بگیرند و در نهایت به نقض گسترده حقوق بنیادین انسان‌ها دامن بزنند.

این مقاله به تحلیل دقیق و گسترده‌ای از مفهوم و پیامدهای جرم‌شناسی دشمن‌مدار در مواجهه با جرایم خشونت‌بار می‌پردازد. هدف آن شفاف‌سازی رویه‌ای است که رویکردهای امنیتی افراطی، به‌ویژه در قالب سیاست‌های سرکوبگرانه، می‌توانند موجب نقض حقوق بشر شوند. در این راستا، تلاش می‌شود تا ارتباط میان امنیت‌محوری و حقوق بشر، به‌ویژه در زمینه‌هایی چون آزادی‌های فردی، مصونیت از شکنجه و دسترسی به عدالت، مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. در نهایت، این پژوهش ضمن مطالعه رویکرد نظام عدالت کیفری ایران به دنبال یافتن راهکارهایی است که بتواند تعادلی پایدار میان تأمین امنیت و احترام به حقوق بشر ایجاد کند، به‌گونه‌ای که تأمین نظم اجتماعی و محافظت از امنیت فردی هر دو در چارچوب اصول انسانی و حقوق بنیادین تحقق یابند. در راستای تشریح مبانی تحقیق، در ادامه به بررسی مفاهیم و اصطلاحات کلیدی نوشتار حاضر می‌پردازیم.

۲- ادبیات تحقیق

در اینجا اصطلاحات کلیدی تحقیق از جمله جرم‌شناسی دشمن‌مدار، جرم خشونت‌بار، رویکرد امنیت‌محور سیاست جنایی و حقوق بشر مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

۱-۲- جرم‌شناسی دشمن‌مدار

این نوع از جرم‌شناسی، رویکردی است که افراد یا گروه‌های خاصی را با تمرکز بر تهدیدهای ناشی از رفتارهای خشونت‌بار به‌عنوان دشمنان جامعه تعریف می‌کند. این رویکرد عمدتاً از نظریه‌های امنیت‌محور سرچشمه می‌گیرد و بر استفاده از اقدامات سخت‌گیرانه برای کنترل جرم تأکید دارد، حتی به قیمت نقض آزادی‌های فردی. براساس این دیدگاه، دولت‌ها برای جلوگیری از تهدیدات امنیتی اغلب به ابزارهایی مانند نظارت گسترده و سرکوب دست می‌زنند، که ممکن است منجر به نادیده گرفتن اصول حقوق بشری شود. (Schulhofer, 2020: 145) از منظر فلسفی، جرم‌شناسی دشمن‌مدار ریشه در تفکرات میشل فوکو درباره حکومت‌مندی و زیست‌سیاست دارد. این رویکرد تهدیدها را به‌جای مسئله اجتماعی، به‌عنوان دشمن موجودیت دولت معرفی می‌کند. پیامد چنین نگرشی، کاهش فضای گفتگوی قانونی و افزایش سیاست کیفری سخت‌گیرانه است. پژوهش‌های جدید این رویکرد را به‌دلیل پیامدهای نقض گسترده حقوق بشر و افزایش نابرابری‌ها، مورد انتقاد قرار می‌دهند. (Newman & Freilich, 2023: 22)

۲-۲- جرم خشونت‌بار

جرم خشونت‌بار به رفتاری مجرمانه اطلاق می‌شود که در آن از زور، تهدید یا آزار جسمی علیه فرد یا گروهی استفاده می‌شود. جرایم خشونت‌بار شامل قتل، ضرب و جرح، تجاوز، و سایر اعمال خشونت‌بار می‌شود که نه تنها بر قربانیان آسیب فیزیکی وارد می‌کند، بلکه اثرات روانی و اجتماعی شدیدی نیز بر جامعه به‌جا می‌گذارد. (مایر و رابرسون، ۱۳۹۵: ۲۹) این نوع جرایم معمولاً با تهدید به امنیت عمومی و ایجاد احساس ترس و ناامنی در جامعه همراه است.

۳-۲- رویکرد امنیت‌محوری

رویکرد امنیت‌محوری در سیاست جنایی بر اولویت دادن به حفظ امنیت جامعه و پیشگیری از

تهدیدات جرم‌محور متمرکز است. این رویکرد به‌ویژه در مواجهه با جرایم خشونت‌بار، بر استفاده از تدابیر پیشگیرانه، نظارتی و حتی سرکوبگرانه تأکید دارد. در این نگرش، تأمین امنیت عمومی در برابر تهدیدات آنی و بلندمدت اهمیت بیشتری نسبت به اصول بازپروری، عدالت اصلاحی، یا حتی حقوق بشر پیدا می‌کند. (شاملو، ۱۴۰۳: ۱۶۸) این رویکرد بر دو اصل بنیادین استوار است:

- بازدارندگی پیشگیرانه: با افزایش سخت‌گیری در قوانین و شدت مجازات‌ها، هدف اصلی کاهش احتمال ارتکاب جرم است. اقدامات نظارتی گسترده، مانند پایش داده‌های شهروندان، از ابزارهای بنیادین این اصل محسوب می‌شود (Schulhofer, 2020: 149).
- کنترل تهدیدات امنیتی: افراد یا گروه‌هایی که تهدید جدی تلقی می‌شوند، به عنوان «دشمنان امنیت» هدف تدابیر شدیدتری قرار می‌گیرند. این اصل اغلب در برخورد با جرایم سازمان‌یافته، تروریسم و خشونت‌های گسترده اجتماعی به کار گرفته می‌شود (Newman & Freilich, 2023: 29).

اگرچه این رویکرد در کاهش برخی تهدیدات موثر بوده، اما به دلیل تمرکز بیش از حد بر کنترل و کاهش آزادی‌های مدنی، با انتقاداتی مواجه شده است. مخالفان این رویکرد معتقدند که امنیت‌محوری در سیاست جنایی می‌تواند منجر به تضعیف عدالت اجتماعی، افزایش تبعیض و نقض گسترده حقوق بشر شود (Zedner, 2021: 51).

۴-۲- حقوق بشر

حقوق بشر به مجموعه‌ای از حقوق و آزادی‌هایی اطلاق می‌شود که به هر فرد به‌طور ذاتی تعلق دارد. این حقوق شامل حق زندگی، آزادی، امنیت، برابری در برابر قانون و آزادی بیان است. حقوق بشر از نظر بین‌المللی در اسناد مهمی همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد (۱۹۴۸) به رسمیت شناخته شده و بر ارزش‌های کرامت انسانی و عدم تبعیض تأکید دارد. حال که مفاهیم کلیدی تحقیق بررسی شدند در ادامه به تحلیل و بررسی مصادیق و نمونه‌های جرایم خشونت‌بار می‌پردازیم.

۳- تحلیل نمونه‌های جرم خشونت‌بار

جرایم خشونت‌بار مانند تروریسم، قتل‌های زنجیره‌ای و شورش‌های سازمان‌یافته نمونه‌های برجسته‌ای از اعمالی هستند که نه تنها بر قربانیان فردی تأثیر می‌گذارند بلکه پیامدهای اجتماعی و سیاسی گسترده‌ای نیز دارند. تروریسم معمولاً با هدف ایجاد ترس و بی‌ثباتی اجتماعی صورت

می‌گیرد، در حالی که قتل‌های زنجیره‌ای بر اساس الگوهای خاصی از خشونت سازمان‌یافته انجام می‌شوند. همچنین، شورش‌های سازمان‌یافته، به‌ویژه در مناطق بی‌ثبات، ناشی از تضادهای اجتماعی و اقتصادی هستند که به خشونت‌های گسترده منجر می‌شود. وقوع این نوع جرایم می‌تواند تهدیدی جدی برای امنیت عمومی و نقض حقوق بشر باشد که در ادامه به تشریح این جرایم می‌پردازیم.

۱-۳- تروریسم

نمونه‌های برجسته تروریسم شامل حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ است که توسط گروه تروریستی القاعده سازمان‌دهی شد. این حملات، که شامل ربودن هواپیماها و حمله به برج‌های دوقلوی مرکز تجارت جهانی در نیویورک بود، باعث کشته شدن نزدیک به ۳،۰۰۰ نفر شد و موجی از تغییرات در سیاست‌های امنیتی جهانی به‌ویژه در زمینه ضدتروریسم را به همراه داشت. تروریسم، نوعی از عمل مجرمانه توأم با خشونت است که به صورت نظام‌مند و یا تهدید با توسل به قتل، جرح و خرابکاری برای ترساندن گروه مورد نظر که وسیع‌تر از قربانیان آنی جرم می‌باشند و یا برای ایجاد جوّ رعب و وحشت انجام می‌شود. (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیکی، ۱۳۹۰: ۲۷۲)

جرایم تروریستی یا به اصطلاح تجاوزهای تروریستی، از جمله تهدیدهای نوظهور که در حوزه جرم‌شناسی امنیتی است زمینه توجه به میزان خطرناکی مجرم را فراهم نموده است. جرایم تروریستی که تهدیدی برای ساختار و سیاست‌های یک حکومت، یک سازمان جهانی و به عبارتی نظم موجود جهانی محسوب می‌شود، در دهه‌های اخیر توجه سیاست‌گذاران کیفری را به خود جلب نموده است. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲: ۲۵).

از جمله این سازمان‌های تروریستی، داعش (الدوله اسلامیة فی العراق و الشام) بود که وحشت بزرگی در دل مردم جهان به ویژه ساکنین خاورمیانه انداخت. این جنبش که از هیچ جنایتی علیه جان و مال و نوامیس غیرنظامیان در شهرهای مختلف تحت اشغال خود فروگذار نمی‌کرد، با قتل عام و سر بردن هزاران انسان بی‌گناه، به علت نپذیرفتن احکام دولت اسلامی و تخریب برخی مساجد مسلمانان و آرامگاه‌های بزرگان مسلمانان و مسیحیان و همچنین پخش فیلم جنایات خود از طریق رسانه‌های جمعی به ویژه اینترنت، موجی از وحشت در منطقه ایجاد کرد.

۲-۳- قتل‌های زنجیره‌ای

یکی از نمونه‌های معروف قتل‌های زنجیره‌ای، پرونده «تئودور باندی» است. باندی بین دهه‌های

۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ حداقل ۳۰ زن را در ایالات متحده کشته بود. این قتل‌ها به‌طور خاص با خصوصیات خشونت‌بار و دستکاری‌های پیچیده‌ای در صحنه‌های جرم مشخص می‌شد و توجه زیادی را به روان‌شناسی قاتلان سریالی جلب کرد. (Douglas, 1995: 78) در تاریخ حقوق کیفری ایران می‌توان به قاتلان سریالی از جمله اصغر قاتل (۱۳۱۳)، مجید سالک محمودی (۱۳۵۹-۱۳۶۴)، غلامرضا خوش‌رو معروف به خفاش شب تهران (۱۳۷۶)، محمد بیجه پاکدشت (۱۳۸۳)، قاتل عنکبوتی (۱۳۸۰)، سعید خنایی قاتل زنان خیابانی در مشهد (۱۳۷۹)، عنکبوت اصفهان (۱۳۸۲)، مهین قدیری در قزوین، عقرب سیاه در رباط کریم (۱۳۹۱)، کفتار شهر مشهد و گرگ‌های زرد مشهد (۱۳۹۲) اشاره داشت که بررسی پرونده این جنایت‌کاران نشان از رفتار مجرمانه توأم با خشونت و تبعات اجتماعی آن بر امنیت جامعه است (جوان‌بخت، ۱۳۹۴: ۸۱).

۳-۳- شورش‌های سازمان‌یافته

شورش‌های سازمان‌یافته، مانند شورش‌های ۱۹۹۲ در لس‌آنجلس، ناشی از برخوردهای خشونت‌آمیز میان پلیس و جامعه سیاه‌پوستان آمریکا بودند. این شورش‌ها پس از تیره شدن چهار پلیس سفید از اتهامات ضرب و شتم رودنی کینگ، یک مرد سیاه‌پوست، آغاز شد. شورش‌ها باعث کشته شدن بیش از ۵۰ نفر و آسیب‌های مالی گسترده شد (Klein, 1995: 102). بدین تریب، در ادامه به تبیین تأثیر این جرایم بر تمایل به اتخاذ سیاست‌های کیفری سخت‌گیرانه توسط قانونگذاران می‌پردازیم.

جرایم خشونت‌بار، به‌ویژه تروریسم، قتل‌های زنجیره‌ای و شورش‌های سازمان‌یافته، اغلب منجر به تغییرات اساسی در سیاست‌های کیفری و امنیتی می‌شوند. این جرایم به‌ویژه به دلیل تهدیدات جدی که به امنیت عمومی وارد می‌کنند، موجب تقویت رویکردهای امنیت‌محور و وضع قوانین سخت‌گیرانه‌تر می‌شوند. برای مثال، پس از حملات ۱۱ سپتامبر، بسیاری از کشورهای غربی به تصویب قوانینی پرداختند که نظارت‌های امنیتی و کنترل‌های مرزی را افزایش داد و با محدود کردن برخی حقوق فردی، امنیت را در اولویت قرار دادند. این سیاست‌ها، به‌ویژه در مواردی چون تروریسم، می‌توانند منجر به نقض حقوق بشر و آزادی‌های فردی شوند، زیرا اقدامات پیشگیرانه نظیر بازداشت‌های بدون محاکمه، محدودیت‌های سفر و نظارت‌های فراقانونی معمولاً در واکنش به چنین جرایمی اعمال می‌شود. همچنین، قتل‌های زنجیره‌ای و شورش‌های سازمان‌یافته، با توجه به پیامدهای خشونت‌بارشان، اغلب منجر به پذیرش رویکردهای جزائی سخت‌گیرانه‌تری می‌شود که بر افزایش زندانیان و مجازات‌های شدیدتر تأکید دارند. این

رویکردهای شدید ممکن است در کوتاه‌مدت به کاهش برخی جرایم منجر گردند، اما در بلندمدت می‌توانند منجر به بحران‌های اجتماعی و حقوق بشری شوند.

۴- پیامدهای امنیت‌محوری در جرم‌شناسی دشمن‌مدار

پیامدهای این تئوری را می‌توان در افزایش اختیارات پلیس و نیروهای امنیتی که منجر به نقض حقوق شهروندی تحت عنوان تأمین امنیت می‌شود خلاصه کرد که در ادامه مهمترین آثار آن مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱-۴- بازداشت‌های پیشگیرانه

افراد بدون محاکمه و تنها بر اساس احتمال تهدید به مدت طولانی نگهداری می‌شوند. این امر آزادی فردی را محدود می‌کند و از اصول قانونی چون اصل بی‌گناهی تخلف می‌کند.

۲-۴- نظارت گسترده و حریم خصوصی

استفاده از تکنولوژی‌های نظارتی مانند شنود و رصد آنلاین می‌تواند به حریم خصوصی افراد آسیب بزند و احساس امنیت و آزادی را در جامعه تضعیف کند.

۳-۴- محدودیت‌های آزادی بیان و تجمع

برای مقابله با تهدیدات، دولت‌ها ممکن است آزادی‌های مدنی را محدود کنند، مثلاً با ممنوع کردن اعتراضات یا سرکوب افکار مخالف، که منجر به کاهش دموکراسی و نقض حقوق بشر می‌شود.

این اقدامات در صورت عدم نظارت مناسب ممکن است در کوتاه‌مدت به امنیت منتهی شود، اما در بلندمدت موجب ایجاد بحران‌های اجتماعی و نقض حقوق بنیادین انسان‌ها گردد. به طور کلی، سیاست‌های کیفری سخت‌گیرانه، به‌ویژه در مواجهه با جرایم خشونت‌بار، معمولاً بر این فرض استوارند که برای حفظ امنیت عمومی، باید به محدود کردن حقوق فردی و اعمال مجازات‌های سنگین پرداخته شود اما این سیاست‌ها می‌توانند منجر به نقض جدی حقوق بشر شوند. مهم‌ترین چالش‌های حقوق بشری که در این سیاست‌ها وجود دارد، عبارتند از: محدودیت‌های آزادی‌های فردی، نظارت و شفافیت ضعیف و نقض اصول کرامت انسانی. در

سیاست‌های سخت‌گیرانه، ممکن است افراد بدون محاکمه و تنها به دلیل مظنون بودن به جرم، دستگیر و زندانی شوند. همچنین، ابزارهایی مانند نظارت‌های شدید و بازداشت‌های پیشگیرانه می‌توانند به نقض حریم خصوصی و آزادی‌های فردی منجر شوند. در این راستا، استفاده از مجازات‌های سنگین مانند حبس‌های طولانی‌مدت یا اعدام نیز می‌تواند با اصول اساسی حقوق بشر در تضاد باشد. توازن بین امنیت و حقوق بشر نیازمند بازنگری و اصلاحات اساسی است تا از نقض حقوق فردی جلوگیری شود و در عین حال تهدیدات امنیتی به‌طور مؤثر کنترل شوند.

به دنبال طرح نظریه جرم‌شناسی دشمن‌مدار، نظام عدالت کیفری در برخی از قوانین موضوعه، رویکردی سخت‌گیرانه و به تعبیری، بیگانه‌انگاری مجرمان خشن اتخاذ نموده است. در این راستا حقوق کیفری ایران با تاثیر پذیری از عوام‌گرایی کیفری و تحولات اجتماعی مقرراتی را تصویب نموده است که در ادامه به مهمترین آنها و تشریح رویکرد هر یک خواهیم پرداخت.

۵- رویکرد حقوق کیفری ایران

مصادق رویکرد نظام حقوقی ایران نسبت به جرم‌شناسی دشمن‌مدار را می‌توان در مواردی مانند مقررات ضد تروریسم و افزایش اختیارات پلیس در مواجهه با تهدیدات داخلی و خارجی مشاهده کرد. برای نمونه، در قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم، قانونگذار ایران به مقابله شدید با گروه‌های تروریستی و جاسوسی پرداخته و به نیروهای امنیتی اجازه داده است که از اختیارات وسیع برای مقابله با این تهدیدات استفاده کنند.

۱-۵- قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴

قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم در ایران به‌طور عمده بر مبنای نظریه‌های امنیتی و در قالب مقابله با تهدیدات تروریستی و خصمانه، تنظیم شده است. از آنجایی که هدف این قانون، جلوگیری از تأمین منابع مالی برای گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی است، ماده‌های این قانون تأکید ویژه‌ای دارند که هر گونه تأمین مالی برای گروه‌ها یا افرادی که در نظر دولت به‌عنوان «دشمن» محسوب می‌شوند، باید به سرعت شناسایی و متوقف شود. ماده ۴ قانون مذکور بیان می‌کند: «هر گونه تأمین مالی یا تسهیل تأمین مالی برای افراد یا گروه‌های تروریستی ممنوع است و باید تحت پیگرد قانونی قرار گیرد.» این ماده به‌طور واضح بر مقابله با منابع مالی عناصر تهدیدکننده امنیتی تأکید دارد و رویکردی امنیتی و دشمن‌مدار را دنبال می‌کند که در آن گروه‌های تروریستی به‌عنوان تهدید برای امنیت ملی و مصالح عمومی شناسایی می‌شوند.

در زمینه‌های نظارت مالی و شفافیت در تراکنش‌ها نیز می‌توان ماده ۶ این قانون که به «نظارت بر تراکنش‌های مالی» اشاره دارد را مثال زد که بیان می‌کند: «تمامی نهادهای مالی موظف هستند که اطلاعات مربوط به تراکنش‌های مشکوک و مبالغ مالی به‌ویژه در زمینه تأمین مالی تروریسم را به مراجع ذی‌صلاح گزارش دهند.»

این ماده نشان‌دهنده اقدامات نظارتی و پیشگیرانه است که بیشتر در راستای حفظ امنیت و شناسایی تهدیدات مالی صورت می‌گیرد. این نوع نظارت‌ها ممکن است به نقض حریم خصوصی افراد منجر شود، چرا که به‌طور گسترده بر هر گونه تراکنش مالی نظارت می‌شود و در ادامه ماده ۷ نیز نشان‌دهنده رویکرد قهرآمیز و سرکوب‌گرانه در مقابله با تأمین مالی تروریسم است که می‌تواند حقوق افراد و نهادها را نقض کند، زیرا اتهامات و مجازات‌ها به‌طور کلی و بدون اثبات دقیق ممکن است اعمال شود.

پیرامون تضاد بین امنیت و حقوق بشر در مواد این قانون، برای برخورد با تهدیدات، محدودیت‌های قابل توجهی برای حقوق بشر به‌ویژه در زمینه بازداشت‌های بدون محاکمه، محدودیت‌های آزادی‌های فردی و نقض حق دفاع پیش‌بینی شده است.

ماده ۹ که به محدودیت‌های مالی افراد مرتبط با گروه‌های تروریستی اشاره دارد، به‌طور غیرمستقیم حقوق بشر افراد را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد: «دارایی‌ها و منابع مالی افراد و نهادهایی که به‌طور غیرمستقیم در تأمین مالی تروریسم دخیل باشند، باید توقیف و ضبط شود.» این ماده به‌طور بالقوه می‌تواند منجر به سلب حقوق مالکیت و حق آزادی فردی شود، زیرا افراد ممکن است بدون محاکمه یا بدون اتهام مشخص، دارایی‌هایشان ضبط شود.

ماده ۱۲ نیز به اختیارات نهادهای قضایی و اجرایی در پیگیری و بازداشت افراد مرتبط با تأمین مالی تروریسم اشاره دارد: «مراجع قضایی می‌توانند در صورت شواهد کافی، اقدام به توقیف و بازداشت افراد متهم به تأمین مالی تروریسم نمایند.» این ماده احتمالاً می‌تواند موجب نقض حقوق بشر شود، چرا که در صورتی که شواهد کافی وجود نداشته باشد، افراد ممکن است به‌طور ناعادلانه بازداشت شوند.

همچنین قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم به‌طور آشکار بر مقابله با تهدیدات امنیتی به هر قیمتی تأکید دارد. این رویکرد امنیتی، ممکن است به نقض حقوق بشر منجر شود: در ماده ۴ به‌طور کلی هر گونه کمک مالی به گروه‌های تروریستی جرم تلقی شده است و این ممکن است به آسیب به حقوق افراد در مواردی که به‌طور ناعادلانه تحت تعقیب قرار می‌گیرند، منجر شود. این قانون در زمینه‌های تأمین مالی، دسترسی به منابع مالی و تراکنش‌های بانکی

محدودیت‌هایی ایجاد می‌کند که می‌تواند به نقض حقوق اقتصادی و اجتماعی افراد و نهادها منجر شود. همچنین، این قانون در چارچوب جرم‌شناسی دشمن‌مدار، مستقیماً بر مفاهیم امنیت‌محوری تأکید دارد و این می‌تواند منجر به نقض حقوق بشر شود. این قانون به‌ویژه از طریق نظارت‌های شدید مالی، توقیف دارایی‌ها، و مجازات‌های قهرآمیز، تضادی میان امنیت و حقوق بشر ایجاد می‌کند که می‌تواند آسیب‌های جدی به حقوق فردی و اقتصادی افراد وارد کند.

۲-۵- دستورالعمل اجرایی کنترل مجرمان حرفه‌ای و سابقه‌دار مصوب ۱۳۹۷

یکی دیگر از مقررات وضع شده در زمینه رویکرد دشمن‌مدار در حقوق کیفری ایران، دستورالعمل اجرایی کنترل مجرمان حرفه‌ای و سابقه‌دار، با هدف کاهش جرایم خشونت‌بار و حفظ امنیت جامعه است. این دستورالعمل شامل اقدامات مختلفی است که برخی از آنها در ادامه تشریح می‌شوند.

نظارت شدید بر مجرمان سابقه‌دار: افرادی که به عنوان مجرمان حرفه‌ای شناخته می‌شوند، ممکن است تحت نظارت‌های خاص، از جمله رصد فعالیت‌ها و حرکت‌های آنان قرار گیرند. در این موارد، ممکن است افراد به دلیل تنها داشتن سابقه جرم یا ویژگی‌های خاصی تحت نظارت شدید قرار گیرند که خود می‌تواند نقض حقوق شخصی و آزادی‌های فردی تلقی شود.

مجازات‌های خاص برای مجرمان حرفه‌ای: طبق این دستورالعمل‌ها، مجرمان سابقه‌دار ممکن است به دلیل ماهیت جرم‌هایشان با مجازات‌های سنگین‌تر یا محدودیت‌های بیشتری مواجه شوند که به‌ویژه در صورتی که با رویکرد دشمن‌مدار همراه باشد، حقوق انسانی این افراد به راحتی نادیده گرفته شود.

دستورالعمل اجرایی کنترل مجرمان حرفه‌ای و سابقه‌دار، به نوعی تبلور این نوع نگاه است که در آن امنیت به عنوان اولویت اصلی در نظر گرفته می‌شود. در این دستورالعمل، امنیت‌محوری از طریق نظارت، بازداشت و مجازات‌های خاص برای مجرمان حرفه‌ای و سابقه‌دار برقرار می‌شود. به عبارتی، این دستورالعمل نشان‌دهنده یک دیدگاه امنیتی است که در آن مجرمان به عنوان تهدیدهای امنیتی تلقی می‌شوند. اما این رویکرد، با توجه به ویژگی‌های آن، می‌تواند به راحتی به نقض حقوق بشر منجر شود. به‌ویژه وقتی که افراد تنها براساس سوابقشان یا ویژگی‌های خاصی که ممکن است با ویژگی‌های دشمن‌مدار تطابق داشته باشند، تحت نظارت‌های شدید یا مجازات‌های سختگیرانه قرار گیرند. این امر باعث می‌شود که مؤلفه‌های حقوق بشری در مورد آزادی‌ها، عدالت و برابری در معرض خطر قرار بگیرند.

به طور کلی، این دستورالعمل را می‌توان به عنوان یکی از مصادیق امنیت‌محوری در رویکردهای دشمن‌مدار در مواجهه با جرایم خشونت‌بار معرفی کرد. این دستورالعمل، با تمام فواید خود در کاهش جرایم خشونت‌بار، می‌تواند در صورتی که بر اصول حقوق بشری نظارت نداشته باشند، به نقض حقوق فردی و آزادی‌های انسانی منتهی شود.

۳-۵- فصل ۸ و ۹ قانون مجازات اسلامی (محاربه و افساد فی الارض و بغی) مصوب ۱۳۹۲

مفاهیم محاربه، افساد فی الارض و بغی به‌عنوان جرایم عمده در فقه اسلامی و حقوق کیفری ایران، نقشی کلیدی در برخورد با تهدیدات علیه نظم عمومی و امنیت ملی ایفا می‌کنند. این جرایم، که به‌طور مستقیم با اقداماتی علیه ثبات و امنیت جامعه مرتبط هستند، بیشتر بر رفتارهایی تمرکز دارند که نه تنها مصالح عمومی را به خطر می‌اندازند بلکه مستقیماً علیه حاکمیت و ساختار نظام اجتماعی عمل می‌کنند. از این رو، این مفاهیم از دیرباز در نظام‌های حقوقی اسلامی به‌عنوان ابزارهایی برای مقابله با دشمنان داخلی و خارجی تعریف و اعمال شده‌اند.

محاربه، به معنای قیام مسلحانه علیه حکومت اسلامی، به رفتارهایی اطلاق می‌شود که هدف آن تهدید یا ایجاد ناامنی عمومی است. همچنین، افساد فی الارض نیز به اعمالی تعمیم‌یافته‌تر اشاره دارد که به تخریب گسترده در جامعه منجر می‌شود، نظیر فساد اقتصادی، تروریسم، یا حملات سازمان‌یافته علیه افراد یا نهادها. بغی نیز، به معنای خروج و سرکشی گروهی علیه حکومت مشروع، به شکلی خاص‌تر به گروه‌هایی می‌پردازد که علیه دولت اسلامی قیام می‌کنند. (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۰: ۵۰-۶۸)

در همین راستا، ابتدائاً به بررسی جرم محاربه در ماده ۲۷۹ ق.م.ا می‌پردازیم. در این ماده، محاربه به معنای کشیدن سلاح به قصد تهدید جان، مال، یا ناموس مردم تعریف شده است. این جرم به‌طور خاص بر امنیت عمومی تأثیر می‌گذارد و تهدید کلی جامعه به شمار می‌آید. از دیدگاه جرم‌شناسی دشمن‌مدار، کشیدن سلاح علیه مردم در واقع بیان‌گر دشمنی با امنیت و نظم اجتماعی است. در اینجا، مجرم به عنوان یک دشمن داخلی شناخته می‌شود که تهدیدی آشکار علیه امنیت عمومی ایجاد کرده است. این تهدید می‌تواند به بروز ترس و بی‌اعتمادی عمومی منجر شود و در نتیجه، نقض گسترده حقوق بشر و ایجاد بحران‌های اجتماعی را در پی داشته باشد. جرم محاربه در این ماده به گونه‌ای است که هر گونه تهدید علیه امنیت مردم را شامل

می‌شود. در این راستا، رویکرد امنیت‌محور می‌تواند منجر به نقض حقوق بشر و آزادی‌های فردی در پی مجازات‌های سنگین مانند سلب حیات و قطع عضو شود.

ماده ۲۸۱ همان قانون راهزنان و قاچاقچیان که از سلاح استفاده کرده و امنیت مردم را تهدید می‌کنند، محارب محسوب می‌کند. در این ماده مجرمان نه تنها به عنوان بزه‌کار، بلکه به عنوان دشمنان درونی تلقی می‌شوند که از ابزارهای خشونت‌بار برای اختلال در نظم اجتماعی و امنیت استفاده می‌کنند. این رفتار تهدیدی جدی علیه بنیان‌های اقتصادی و اجتماعی است و با دیدگاه دشمن‌مدار می‌تواند به بی‌اعتمادی و گسترش خشونت در جامعه منجر شود.

در ماده ۲۸۶ ق.م.ا کسانی که به طرق مختلف باعث اختلال گسترده در نظم عمومی و امنیت کشور می‌شوند، به عنوان مفسد فی‌الارض شناخته می‌شوند و به اعدام محکوم می‌شوند. در اینجا، جرم افساد فی‌الارض به تهدیدات داخلی و گسترده علیه کل کشور اشاره دارد. جرم‌شناسی دشمن‌مدار به‌ویژه در این ماده این افراد را نه فقط به عنوان مجرمان، بلکه به‌عنوان دشمنانی که تمامیت اجتماعی و حکومتی را هدف قرار داده‌اند، تحلیل می‌کند. این مجازات‌ها نشان‌دهنده رویکرد شدید امنیت‌محور است که برای مقابله با کسانی که به‌شدت به بنیان‌های اجتماعی آسیب می‌زنند، اعمال می‌شود.

در ماده ۲۸۷ ق.م.ا، کسانی که علیه نظام جمهوری اسلامی ایران قیام مسلحانه کنند، به عنوان باغی شناخته می‌شوند و مجازات اعدام در انتظار آنها است. قیام مسلحانه علیه نظام از نظر جرم‌شناسی دشمن‌مدار نه تنها یک جرم سیاسی، بلکه یک تهدید استراتژیک علیه تمامیت کشور محسوب می‌شود. این نوع جرم با دیدگاه دشمن‌مدار به‌طور خاص تهدیدی علیه حاکمیت و امنیت ملی کشور در نظر گرفته می‌شود و مجازات‌های شدید به دلیل آسیب‌زدن به نظم اجتماعی و حکومتی در نظر گرفته می‌شود.

بدین ترتیب، مواد قانونی ذکر شده از منظر جرم‌شناسی دشمن‌مدار نشان‌دهنده رویکرد شدید امنیتی در برخورد با جرایم خشونت‌بار است که افراد یا گروه‌هایی که تهدیداتی علیه امنیت عمومی و اجتماعی ایجاد می‌کنند، به عنوان دشمنان داخلی شناخته می‌شوند. اعمال مجازات‌های شدید همچون اعدام، قطع اعضا و تبعید در این مواد، تأکید بر امنیت‌محوری و مقابله با تهدیدات داخلی دارد که نیازمند دقت بیشتر در رسیدگی در محاکم کیفری است تا منجر به نقض مؤلفه‌های حقوق بشر نشود.

۴-۵- جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور مندرج در ق.تجزیرات ۱۳۷۵

مواد قانونی مطرح شده در این بخش از قانون، به بررسی و مجازات جرایم مرتبط با امنیت داخلی و خارجی کشور می‌پردازد. این مواد عمدتاً به جرایم تروریستی، جاسوسی، توطئه علیه نظام، و فعالیت‌های ضد امنیت ملی مرتبط هستند. تحلیل این مواد از منظر جرم‌شناسی دشمن‌مدار به معنی بررسی آن‌ها در چارچوب دشمن‌سازی و تهدیدات بالقوه علیه امنیت کشور است. در این تحلیل، توجه به چگونگی شکل‌گیری دشمن و نقش آن در تولید و واکنش به جرم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

بسیاری از این مواد قانونی به مسائلی مانند تشکیل گروه‌های مخفی یا همکاری با دشمنان خارجی اشاره دارند. این امر نشان‌دهنده تمرکز شدید بر دشمن‌سازی است. قانونگذار در این مواد به وضوح تأکید دارد که هر گونه فعالیت تهدیدآمیز علیه امنیت کشور، خواه داخلی باشد یا خارجی، باید به شدت سرکوب شود.

برای مثال، ماده ۴۹۸ به کسانی که برای برهم زدن امنیت کشور اقدام به تشکیل گروه‌ها و جمعیت‌های ضد نظام می‌کنند اشاره دارد. این گروه‌ها به طور معمول در مفهوم جرم‌شناسی دشمن‌مدار، تهدیدی برای وحدت و استحکام نظام به شمار می‌آیند.

در بسیاری از این مواد، مفاهیم دشمن و محارب به گونه‌ای تعریف می‌شوند که امکان استفاده از این تعاریف برای تعقیب کسانی که ممکن است هیچ گونه اقدام عملی علیه امنیت کشور نکرده باشند، فراهم می‌شود. برای نمونه، ماده ۵۰۴ به افرادی که نیروهای نظامی را به عصیان تحریک می‌کنند اشاره دارد، که این نوع رفتار مجرمانه ممکن است به عنوان تهدیدی برای ساختار اجتماعی و قدرت سیاسی کشور دیده شود، گرچه اقدام فیزیکی خاصی ارتکاب نیافته باشد.

جاسوسی و همکاری با دول خارجی در این مواد تحت عنوان‌های مختلف به طور جدی جرم‌انگاری شده‌اند. این رویکرد نشان‌دهنده حساسیت بالای قانونگذار نسبت به تهدیدات خارجی است. در این موارد، تمرکز بر جلوگیری از همکاری با دشمنان خارجی در راستای حفظ امنیت ملی و جلوگیری از آسیب‌های اقتصادی و سیاسی است. به طور خاص، ماده ۵۰۵ به جمع‌آوری اطلاعات طبقه‌بندی شده توسط افرادی که ممکن است به قصد توطئه یا جاسوسی اقدام کنند، اشاره دارد. این ماده همچنین مشخص می‌کند که هر گونه تهدید از سوی افرادی که اطلاعات مهم را در اختیار بیگانگان قرار دهند، باید به شدت مجازات شود.

مواد ۵۱۱ و ۵۱۲ به تهدیداتی اشاره دارند که با تحریک مردم به خشونت یا ادعاهای دروغین مبنی بر تهدیدات امنیتی می‌تواند به ناامنی گسترده منجر شود. این مواد به وضوح نشان می‌دهند

که تهدید و ارباب به عنوان ابزارهایی برای برهم زدن نظم اجتماعی و امنیت کشور باید جرم‌انگاری و مرتکبین آنها مجازات شوند. در دنیای کنونی که فناوری‌های نوین مانند اینترنت و رسانه‌های اجتماعی گسترش یافته‌اند، تهدیدات علیه امنیت کشور ممکن است پیچیده‌تر شوند. این مواد قانونی به نظر می‌رسد که به دنبال پیشگیری از تهدیدات ناشی از چنین ابزارهایی هستند. به ویژه، مواد مرتبط با جاسوسی، فعالیت‌های تبلیغاتی علیه نظام، و نقض اطلاعات طبقه‌بندی شده به خوبی نشان‌دهنده این نگرانی‌ها هستند.

بدین ترتیب، این مواد قانونی با تأکید بر مقابله با دشمنان خارجی و داخلی، در حقیقت رویکردی شدید و محافظه‌کارانه در برابر تهدیدات امنیتی اتخاذ می‌کنند. از دیدگاه جرم‌شناسی دشمن‌مدار، این قوانین به طور فعال با هدف ایجاد و تقویت دشمن به عنوان مفهومی تهدیدآمیز برای نظام و جامعه عمل می‌کنند. در این راستا، قانونگذار با قاطعیت به دنبال جلوگیری از هر گونه فعالیتی است که ممکن است منجر به تضعیف یا تخریب امنیت و یکپارچگی کشور شود. لذا باید متذکر شد که مواد قانونی مرتبط با محاربه، افساد فی‌الارض و سایر جرایم امنیتی، اگرچه با هدف تأمین نظم و امنیت عمومی تدوین شده‌اند، به دلیل گستردگی، ابهام و قابلیت تفسیر موسع، می‌توانند زمینه‌ساز نقض حقوق بشر شوند. این مواد، به ویژه در مواردی که به برخورد با مخالفان سیاسی و اجتماعی منجر می‌شوند، محدودیت‌هایی جدی بر آزادی بیان، تجمعات مسالمت‌آمیز، حق دسترسی به اطلاعات و آزادی مطبوعات اعمال می‌کنند. همچنین، ابهام در تعریف مفاهیمی مانند محارب و دشمن و امکان تفسیر گسترده آن‌ها، به سرکوب اعتراضات قانونی، بازداشت‌های خودسرانه و محاکمات ناعادلانه می‌انجامد.

از سوی دیگر، این مواد می‌توانند زمینه رفتارهای غیرانسانی مانند شکنجه یا استفاده از فشارهای غیرقانونی در روند بازجویی را فراهم کنند. علاوه بر این، حقوق دادرسی متهمان، از جمله دسترسی به وکیل و محاکمه عادلانه، در بسیاری از موارد رعایت نمی‌شود. در نهایت، چنین قوانینی، به جای تقویت امنیت ملی، ممکن است به کاهش اعتماد عمومی، سرکوب مخالفان و نقض حقوق اساسی شهروندان منجر شوند. این مسائل نیازمند بازنگری جدی و شفاف‌سازی برای جلوگیری از سوءاستفاده و تضمین رعایت حقوق بشر هستند.

نتیجه‌گیری

تحلیل جرم‌شناسی دشمن‌مدار در مواجهه با جرایم خشونت‌بار، به وضوح نشان می‌دهد که رویکردهای مبتنی بر امنیت‌محوری و مبارزه با تهدیدات خارجی و داخلی، در برخی مواقع

می‌توانند منجر به نقض آشکار حقوق بشر شوند. این رویکردها که با تأکید بر «دشمن» و «تهدید» به تفسیرهایی گسترده و مبهم از مفاهیم قانونی می‌انجامد، می‌تواند به محدودیت‌های شدید حقوق بنیادین انسان‌ها، از جمله آزادی بیان، حق تجمع، حق دادرسی عادلانه و حقوق فردی منجر شوند. مفاهیم گسترده‌ای چون «محارب» و «مفسد فی الارض» در قانون و فرآیندهای قضائی در چنین رویکردهایی غالباً از هر گونه نظارت و شفافیت لازم بی‌بهره‌اند، که این امر می‌تواند به اجرای مجازات‌های ناعادلانه و سرکوب‌های سیاسی تبدیل شود.

توسعه قوانین و سیاست‌های جنایی بر پایه دشمن‌مداری می‌تواند به برخوردهای سخت‌گیرانه و ناعادلانه با مخالفان سیاسی، فعالان حقوق بشر، و اقلیت‌های اجتماعی منتهی شود و آزادی‌های اساسی را که پایه‌گذار دموکراسی و عدالت اجتماعی هستند، به خطر بیندازد. در این راستا، سوءاستفاده از قدرت و اجرای مجازات‌های شدید در حالی که ممکن است از منظر امنیتی توجیه‌پذیر باشد، در حقیقت ممکن است به ایجاد فضایی از بی‌اعتمادی عمومی و افزایش خشونت‌های اجتماعی بیانجامد.

برای جلوگیری از این خطرات و آسیب‌ها، ضروری است که در سیاست‌های جنایی و تقنینی، توازن دقیق‌تری میان حفظ امنیت ملی و احترام به حقوق فردی برقرار شود. تدوین قوانینی که مفاهیم کلیدی چون «دشمن» و «تهدید» را با دقت و شفافیت بیشتری تعریف کنند و نیز استفاده از نظارت‌های داخلی و بین‌المللی برای اطمینان از عدم نقض حقوق بشر در فرآیندهای قانونی، باید در اولویت قرار گیرد. در نهایت، پیشگیری از اعمال خشونت‌بار و برخوردهای غیرانسانی، تنها زمانی محقق می‌شود که سیاست‌های امنیتی نه تنها به تأمین امنیت جامعه، بلکه به حفظ کرامت انسانی و حقوق اساسی افراد نیز توجه داشته باشند.

منابع

- جوان‌بخت، محمد، (۱۳۹۴)، مجرمان خطرناک؛ بررسی حقوقی و جرم‌شناختی، با دیباچه دکتر عباس شیخ‌الاسلامی، چاپ اول، تهران: نشر مجد.
- دستورالعمل اجرایی کنترل مجرمان حرفه‌ای و سابقه‌دار مصوب ۱۳۹۷
- شاملو، باقر، (۱۴۰۳)، سیاست جنایی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴
- قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

- مایر، اسکات؛ رابرسون، کلیف، (۱۳۹۵)، جرم خشونت‌بار، با دیباچه دکتر عباس شیخ‌الاسلامی، چاپ اول، تهران: نشر مجد.
- میرمحمدصادقی، حسین، (۱۴۰۰)، جرایم علیه مصالح عمومی کشور، چاپ جهل و سوم، تهران: نشر میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۹۲)، تقریرات درس جرم‌شناسی (از جرم‌شناسی انتقادی تا جرم‌شناسی امنیتی)، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، نیم‌سال دوم، به کوشش سکینه خانعلی‌پور واجارگاه و مهدی قربانی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ هاشم‌بیگی، حمید، (۱۳۹۰)، دانشنامه جرم‌شناسی، چاپ دوم، تهران: نشر گنج دانش.
- Douglas, J. E. (1995). *The Anatomy of Motive*. Scribner.
- Garland, D. (2001). *The Culture of Control: Crime and Social Order in Contemporary Society*. Oxford University Press.
- Klein, M. W. (1995). *The Chicago Mafia*. University of Chicago Press.
- Lyon, D. (2018). *The Culture of Surveillance: Watching as a Way of Life*. Polity Press.
- Mueller, J. (2006). *Terrorism and Counterterrorism*. Oxford University Press.
- Newman, G. R., & Freilich, J. D. (2023). *Criminology and the Global Risk Society*. Palgrave Macmillan.
- Newman, G. R., & Freilich, J. D. (2023). *Criminology and the Global Risk Society*. Palgrave.
- Schulhofer, S. (2020). *Criminal Law in the Security Age*. Cambridge University Press.
- Schulhofer, S. (2020). *Criminal Law in the Security Age*. Cambridge University Press.
- United Nations (1948). *Universal Declaration of Human Rights*. Article 1.
- Zedner, L. (2021). *Security and Human Rights: Balancing the Dilemmas*. Oxford University Press.
- Zedner, L. (2021). *Security and Human Rights: Balancing the Dilemmas*. Oxford University Press.
- Zedner, L. (2021). *Security and Human Rights: Balancing the Dilemmas*. Oxford.